

رابطه هوش معنوی با بهزیستی روان دانشجویان

فهیمة کوه کن

کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد زاهدان

چکیده

بهزیستی روانی تابعی از عوامل مختلف اجتماعی و فرهنگی و معنوی است و دانشجو پس از ورود به دانشگاه با محیط جدیدی روبرو می شود که با زندگی قبلی او و محیط اجتماعی گذشته اش متفاوت می باشد. در طی دوران تحصیل نیز با مسایل و مشکلات بسیاری روبرو خواهد گشت که هر کدام می تواند به بهزیستی روانی او خدشه وارد کند. هدف این پژوهش بررسی رابطه بین هوش معنوی با بهزیستی روان در دانشجویان که سوالات آن از تئوریهای مختلف بهزیستی روانی و نظریه های هوش معنوی استخراج و مورد آزمون قرار گرفته اند. روش بررسی، تلفیقی از روش کتابخانه ای و میدانی است. در بررسی میدانی ۳۷۶ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد زاهدان ۱۳۹۳ از مقیاس بهزیستی روانی رایف (۱۹۸۹) و پرسشنامه هوش معنوی دیوید بی کینگ (۲۰۰۸) استفاده شده است. در این روش از روش نمونه گیری طبقه ای متناسب با حجم و تصادفی ساده بهره گرفته شده و مورد مطالعه قرار گرفتند. بهزیستی روانی دانشجویان با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون رابطه بین هوش معنوی مولفه های آنها با بهزیستی روان معناداری باشد. بر اساس یافته ها به لحاظ جنسیت بین هوش معنوی و بهزیستی روان تفاوت معناداری وجود ندارد.

واژگان کلیدی: هوش معنوی، بهزیستی روان، دانشجویان

مقدمه

بیش از دو هزار سال پیش، افلاطون^۱ در کتاب "جمهوریت"، هوش را تعیین‌کننده اصلی جایگاه سیاسی و اجتماعی افراد تعریف کرد. اما مطالعه علمی هوش، از قرن نوزدهم با ایده تفاوت‌های فردی در علم ژنتیک و تکامل آغاز شد. روان‌شناسان معتقدند هیچ شاخه‌ای از روان‌شناسی به اندازه مطالعه و ارزیابی هوش در بهزیستی انسان موثر نبوده است. از آنجایی که بهزیستی روان دانشجویان می‌تواند تحت تاثیر هوش معنوی قرارگیرد (توماس^۲ و اینکسون^۳، ۲۰۰۶). این هوش برخلاف هوش عقلانی که کامپیوترها هم از آن بهره‌مندند و نیز هوش عاطفی که در برخی از پستانداران رده بالا دیده می‌شود، خاص انسان است. زوهار و مارشال هوش معنوی را یک بعد جدید از هوش انسانی معرفی کردند و به نظر آنها هوش نهایی است و برای حل مسائل مفهومی و ارزشی استفاده می‌شود. هوش معنوی زمینه تمام آن چیزهایی است که ما به آنها اعتقاد و باور داریم. سوال‌های جدی در مورد اینکه از کجا آمده ایم، به کجا می‌رویم و هدف اصلی زندگی چیست، از نمودهای هوش معنوی است این هوش برای کارکرد اثربخش هوش عقلانی و هوش عاطفی ضرورت دارد. در واقع هوش عقلانی دروازه ورود فرد برای کسب موفقیت در رشته تحصیلی مورد علاقه اش است. در رابطه با هوش فرهنگی و معنوی تحقیقاتی به صورت مجزا صورت گرفته است و اما در رابطه با بهزیستی روان، سلامتی را مجموعه حالت رفاه و آسایش کامل جسمانی، روانی و اجتماعی تعریف کرده که هیچکدام بر دیگری برتری ندارد. سلامت جسم و روان، انبساط خاطر و در نهایت شادکامی و تن‌آرامی پدیده‌هایی هستند که در ارتباط محیط زیست انسانها تحقق می‌پذیرند کارکرد نامناسب نهادها، نظام‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بهداشتی، درمانی در یک جامعه در ارتباط مستقیم با بهداشت روانی و جسمی مردم آن جامعه است و سلامت افراد را دچار مخاطره می‌کند، در اجتماعاتی که انسانها تحت تاثیر عوامل نامساعد محیطی باشد حوادث طبیعی (سیل و زلزله و ...) بیماری‌های اپیدمی، نارسانایبهای ناشی از گسترش شهرهای بزرگ (آلودگی هوا، ترافیک، محیط پرهیاهو) بی‌عدالتی‌های اقتصادی، جنگ، بحرانهای اجتماعی، از هم گسیختگی خانوادگی، تضادهای درون‌گروهی و برون‌گروهی فرهنگی و مسائلی از این قبیل نمی‌توان از این قبیل قرار دارند نمی‌توان انتظار سلامت جسمی و روانی را داشت هر یک از پدیده‌های اجتماعی و طبیعی بالا می‌تواند زندگی عادی یک شخصیت سالم را تحت تاثیر قرار داده و آن را از حالت طبیعی خارج کند. هدف بهزیستی روان فقط منحصر به تشریح علل اختلالات رفتار نبوده بلکه هدف آن به وجود آمدن عواملی که مکمل زندگی سالم و نرمال باشد و نیز درمان اختلالات جزیبی رفتار به منظور جلوگیری از وقوع بیماری‌های شدید روانی و به طور کلی هدف سازمان روان‌پیشگیری است (شاملو ۱۳۸۲). هدف نهایی این مداخله‌ها کمک به افراد برای درک بهتر خود و جهان پیرامون، افزایش قابلیت و توانمندی سازگاری و ارتقای بهزیستی روانی است (یوسفی ۱۳۸۷). با توجه به مطالعات در ایران و این که در استان سیستان و بلوچستان مشابه این تحقیق انجام نگرفته لذا لزوم انجام چنین تحقیقی در استان ضروری به نظر می‌رسد و خصوصاً در آینده نیز می‌توان از نتایج این تحقیق نیز در مراکز مشاوره، دانشگاهها کلینیک‌های بهزیستی روان جهت خدمت‌رسانی استفاده کرد. با توجه به موضوع تحقیق، سؤال اصلی تحقیق را چنین طرح می‌کنیم: آیا بین هوش معنوی با بهزیستی روان دانشجویان رابطه وجود دارد؟

مفاهیم نظی پژوهش

۱- هوش معنوی

مفهوم هوش معنوی در ادبیات آکادمیک روان‌شناسی برای اولین بار در سال 1996 توسط استیونز^۴ و بعد در سال 1999 توسط امونز^۵ مطرح شد. به موازات این جریان گاردنر (۱۹۹۹) مفهوم هوش معنوی را در ابعاد مختلف مورد نقد و بررسی قرار داد و

¹ aflaton

² Thomas

³ Inkson

⁴ Stevens

⁵ Emmons

پذیرش این مفهوم ترکیبی معنویت و هوش را به چالش کشید. هوش معنوی قادر است که هشیاری یا احساس پیوند با یک قدرت برتر یا یک وجود مقدس را تسهیل کند یا افزایش دهد (سیسک و تورنس، 2001) در واقع این هوش بیشتر مربوط به پرسیدن است تا پاسخ دادن بدین معنا که فرد سوالات بیشتری را در مورد خود و زندگی و جهان پیرامون خود مطرح می کند. (مک مولن، ۲۰۰۳)

همچنین قابل ذکر است که سوال های جدی در مورد اینکه از کجا آمده ایم، به کجا می رویم و هدف اصلی زندگی چیست، از نمودهای هوش معنوی می باشند.

سانتوس^۵ معتقد است هوش معنوی در مورد ارتباط با آفریننده جهان است. وی این هوش را توانایی شناخت اصول زندگی (قوانین طبیعی و معنوی) و بنا نهادن زندگی بر اساس این قوانین تعریف کرده است. وی اصول زیر را برای هوش معنوی عنوان کرده است:

۱. شناخت و تصدیق هوش معنوی؛ یعنی باور داشتن به این مسأله که ما موجوداتی معنوی هستیم و زندگی جسمانی (در این جهان) موقتی است.

۲. بازشناسی و باور یک موجود معنوی برتر (یعنی خداوند)

۳. اگر خالق هست و ما مخلوق هستیم، باید کتاب راهنمایی هم وجود داشته باشد.

۴. لزوم شناسایی هدف زندگی (وجود چیزی که انسان را فرا می خواند) و پذیرفتن این نکته که از نظر ژنتیکی بعضی از تواناییها کدگذاری شده اند.

۵. شناختن جایگاه خود در نزد خداوند (شخصیت فرد بارتاب فهم وی از خداوند است).

۶. شناخت اصول زندگی و پذیرفتن این امر که برای داشتن زندگی موفق باید سبک زندگی و تصمیمات خود را مطابق این اصول شکل داد. (سانتوس، ۲۰۰۶: ۲)

بعضی از ویژگی های فردی که برای بهره گیری از هوش معنوی مفید هستند عبارتند از: خردمندی، تمامیت (کامل بودن)، دلسوزی (مک مولن، ۲۰۰۳)، دیدگاه کل نگر داشتن، درستی و صحت، ذهن باز داشتن و انعطاف پذیری. (زهر و دریک، ۲۰۰۰) این ویژگی ها روش های متفاوتی را برای دانستن از طریق روش های غیر زبانی و غیر منطقی مانند رویا، شهود و تجربه عرفانی، جهت دستیابی به سطوح عمیق تر معنا ارائه می کنند. (دسلوریرس، ۲۰۰۰؛ به نقل از: نازل، ۲۰۰۴)

ویژگی هایی که لازمه هوش معنوی هستند، احتمالاً در کنار توانایی ها و فعالیت های دیگری قرار دارند که عبارتند از: دعا کردن، تعمق، رویاها و تحلیل رویا، باورها و ارزش های دینی و معنوی، شناخت و مهارت در فهم و تفسیر مفاهیم مقدس و توانایی داشتن حالات فراروندگی. به عنوان مثال، بعضی از حقایق قدیمی همانند آزار نرساندن که فضایل اخلاقی را مورد توجه قرار می دهند، ممکن است به عنوان روش هایی برای تقویت هوش معنوی مطرح باشند. همچنین مسائل معنوی ممکن است شامل مواردی از قبیل تفکر در مورد سوالات وجودی مانند وجود زندگی پس از مرگ، جستجوی معنا در زندگی، علاقمندی به عبادت و تعمق موثر، رشد حس هدفمندی زندگی، رشد رابطه با خود، هماهنگی با قدرت برتر و نقش آن در زندگی خود باشد. (نازل، ۲۰۰۴)

در فرهنگ اصلی اسلامی به طور ضمنی هوش معنوی در مورد توجه فراوانی قرار گرفته است. به طور مثال، جامی (۱۳۸۱) براساس متون مذهبی مولفه های ذیل را برای هوش معنوی بر شمرده است:

1 Gardner

2 Sisk

3 Torrance

4 McMullen

5 Santos, E.S.

6 Desceloiries

- ۱- مشاهده وحدت در ورای کثرت ظاهری
- ۲- تشخیص و دریافت پیام های معنوی از پدیده های و اتفاقات
- ۳- سوال و دریافت جواب معنوی در مورد منشأ و مبدأ هستی (مبدأ و معاد)
- ۴- تشخیص قوام هستی و روابط بین فردی بر فضیلت عدالت انسانی؛
- ۵- تشخیص فضیلت فراروندگی از رنج و خطا و به کار گیری عفو و گذشت در روابط بین فردی
- ۶- تشخیص الگوهای معنوی و تنظیم رفتار بر مبنای الگوی معنوی
- ۷- تشخیص کرامت و ارزش فردی و حفظ و رشد و شکوفایی این کرامت
- ۸- تشخیص فرایند رشد معنوی و تنظیم عوامل درونی و بیرونی در جهت رشد بهینه و دوزخ روانی
- ۹- تشخیص معنای زندگی، مرگ و حوادث مربوط به حیات، نشور، مرگ و برزخ، بهشت و دوزخ روانی
- ۱۰- درک حضور خداوندی در زندگی معمولی
- ۱۱- درک زیبایی های هنری و طبیعی و ایجاد حس قدردانی و تشکر
- ۱۲- داشتن ذوق عشق و عرفان که در آن به وصال منشأ دانش است نه استدلال و قیاس
- ۱۳- داشتن هوش شاعرانه که معنای نهفته در یک قطعه شعری را بفهمد
- ۱۴- هوش معنوی باعث فهم بطون آیات قرآنی می شود و موجب می گردد افراد کلام انبیا را راحت تر و با عمق بیشتر درک نمایند.

- ۱۵- هوش معنوی در فهم داستان های متون مقدس و استنباط معنای نمادین این داستان ها کمک فراوانی می کند؛
- ۱۶- هوش معنوی که در قرآن در مورد صاحبان آن صفت اولوالالباب به کار رفته است، باعث می شود افراد به جوهره حقیقت پی ببرند و از پرده های اوهام عبور نمایند.

هر چند عرفای اسلامی نیز این مولفه ها را ذکر نموده اند. ولی از آنجا که این مولفه های به انسان بینش می دهند و باعث افزایش سازگاری او با هستی می شوند. می توان آنها را جزء مولفه های معنوی قلمداد نمود. عوامل موثر در هوش معنوی که در متون اسلامی تقوا و پرهیزگاری قلمداد شده است، به همراه تمرینات روزمره از قبیل تدبیر در خلقت، تدبیر در آفاق و انفی، روزه داری، عبادات، خواندن قرآن و تدبیر صادقانه در آیات آن می توانند نقش اساسی در تقویت هوش معنوی داشته باشند. بعضی از توانایی ها و کیفیت ها همانند خردمندی، خلاقیت و دلسوزی با آگاهی معنوی رشد یافته ناشی از مذهب همراه است. به همین شکل حقایق قدیمی (مثلاً قانون طلایی سقراط که بیان می دارد خودت را بشناس یا عبارت بقراط که می گوید «آزار مرسان:»). بعضی از ویژگی های اصلی افرادی را که از نظر معنوی باهوش هستند، نشان می دهد. بودا، مسیح و کیفیاتی هستند و د واقع هوش جمله افراد بنامی می باشند که دارای چنین مهارت ها و کیفیاتی هستند و در واقع هوش معنوی بالایی دارند. (مک هاوک، ۲۰۰۲، به نقل از: نازل ۲۰۰۴: ۳)

۲- بهزیستی روان

سازمان بهداشت جهانی (۲۰۰۴) بهزیستی روانی را به عنوان حالتی از بهزیستی که در آن فرد توانمندی خود را شناخته از آنها به نحو موثر و مولد استفاده کرده و برای اجتماع خویش مفید است تعریف می کند. به طور کلی بهداشت روانی ایجاد بهزیستی روان به وسیله پیشگیری از ابتلا به بیماری های روانی، کنترل عوامل موثر بروز آن، تشخیص زودرس، پیشگیری از عوامل ناشی از برگشت بیماریهای روانی و ایجاد محیط سالم در برقراری روابط صحیح انسانی است (میلانی فرد، ۱۳۸۵).

بنابر تحقیقات انجمن ملی بهداشت روانی، افراد دارای بهزیستی روانی دارای خصوصیات زیر هستند:

آنان احساس راحتی می کنند، خود را آنگونه که هستند می پذیرند، از استعداد های خود بهره مند می شوند، نگرانی، ترس واضطراب و حسادت کمی دارند و دارای اعتماد به نفس می باشند. سیستم ارزشی آنان از تجارب شخصی خودشان سرچشمه می

گیرد. احساس خوبی نسبت به دیگران دارند، به علایق افراد دیگر توجه می کنند و نسبت به آنها احساس مسئولیت نشان می دهند. سعی نمی کنند بر دیگران تسلط یابند. آنها با مشکلات روبرو می شوند و نسبت به اعمال خود احساس مسئولیت می کنند. محیط خود را تا آنجا که ممکن است شکل می دهند و تا آنجا که ضرورت دارد با آن سازگار می شوند (بنی جمال واحدی، ۱۳۷۰).

۳- رابطه هوش معنوی و بهزیستی روانی

پژوهش ها و بررسی های مختلف نشان داده اند که میان معنویت و هدف زندگی، رضایت از زندگی و سلامت، همبستگی وجود دارد (جورج و همکاران، ۲۰۰۶) مثلاً المر و همکارانش در بررسی تحقیقات انجام گرفته در مورد اثرات معنویت بر سلامت فرد دریافته اند که معنویت با بیماری کمتر و طول عمر بیشتر همراه است. افرادی که دارای جهت گیری معنوی هستند، هنگام مواجهه با جراحت به درمان بهتر پاسخ می دهند و به شکل مناسب تری با آسیب دیدگی و بیماری کنا می آیند (ایموزن، ۲۰۰۰) و میزان افسردگی در آنها کمتر است. (مک دونالد، ۲۰۰۲) همچنین شواهد نشان می دهند که تمرین های معنوی افزایش دهنده آگاهی و بینش به سطوح چندگانه هوشیاری (تعمق) هستند و بر عملکرد افراد تاثیر مثبتی دارند. وارنر در پژوهش خود با اندازه گیری میزان توجه و اجرای آزمون انعطاف شناختی در دو گروه آزمایشی و کنترل، نشان داد که تعمق (انجام تمرین های تعمق برتر یا تی ام) رشد ذهنی را به شکل مثبتی تحت تاثیر قرار می دهد. کرانسون و همکاران نیز نشان دادند که تمرین های تی ام در یک دوره دو ساله باعث بهبود نمره هوشیاری، توانایی یادگیری و زمان واکنش در گروه آزمایشی شده است. (به نقل از: آمرام، ۲۰۰۵)

روش تحقیق

پژوهش حاضر از لحاظ هدف، پژوهشی کاربردی است. این تحقیق از لحاظ ماهیت و روش، تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش ۱۴۰۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد شهر زاهدان به تعداد ۷۷۰۰ مرد و ۶۳۰۰ دانشجوی زن می باشد. نمونه آماری این تحقیق ۳۷۶ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد شهر زاهدان است که با استفاده از جدول تعیین حجم نمونه کرجسی مورگان (۱۹۷۰) تعیین شده اند. در این روش از روش نمونه گیری طبقه ای متناسب با حجم و تصادفی ساده بهره گرفته شده است زیرا نماینده و معرف بودن نمونه به خاطر اهداف تعمیم پذیری، بسیار حائز اهمیت است. ابزار پژوهش در این تحقیق، با بهره گیری از منابع کتابخانه ای و روش توزیع پرسشنامه به صورت حضوری، داده های مورد نیاز در محیطی واقعی، گردآوری شده است. منابع مورد استفاده از هر دو نوع دست اول و دست دوم می باشند.

در این پژوهش از پرسشنامه استاندارد هوش معنوی دیوید کینگ که در سال ۲۰۰۸ تدوین شده است استفاده گردید. این مقیاس، یک ابزار اندازه گیری مربوط به سنجش هوش معنوی با چهار زیرمقیاس (تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخصی، بسط حالت هوشیاری و آگاهی متعالی) و دارای ۲۴ گویه است. مقیاس براساس طیف پنج گزینه ای لیکرت با گزینه های «کاملاً در مورد من صادق است»، «چندان در مورد من صادق نیست»، «به هیچ وجه در مورد من صادق نیست»، «در مورد من بسیار صادق است»، «تا حدودی در مورد من صادق است» تنظیم شده است.

مقیاس دیگر پرسشنامه مقیاس بهزیستی روان ریف (۱۹۸۹) را ریف (۱۹۸۹) ساخت و در سال ۲۰۰۲ مورد تجدید نظر قرار گرفته است؛ در ایران نخستین بار نیکنام آن را ترجمه کرده و مورد استفاده قرار داده است. این مقیاس ۶ عامل خودکاری، تسلط بر محیط، رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی و پذیرش خود را می سنجد.

با توجه به موضوع پژوهش و روش مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل داده ها در این تحقیق از آمار توصیفی و استنباطی جهت تجزیه و تحلیل داده ها استفاده می شود، به طوری که از محاسبه فراوانی، درصدها، نمودارها، میانگین، انحراف معیار، ضریب همبستگی پیرسون، رگرسیون گام به گام، آزمون t مستقل و تحلیل واریانس استفاده می شود. برای پاسخ به تمامی سوالات از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده خواهد شد.

یافته های پژوهش

سوال اول پژوهش: آیا بین هوش معنوی و مولفه های مربوط به آن با بهزیستی روانی دانشجویان رابطه وجود دارد؟
جدول ۱ آزمون رابطه بین هوش معنوی با بهزیستی روان

مولفه ها	هوشیاری		متعالی		معنایی		وجودی		معنوی	
	Sig	R	sig	r	sig	R	sig	R	Sig	R
پذیرش	۰/۰۰۰	۰/۳۲۱	۰/۵۶۸	-۰/۳۰	۰/۲۴۵	۰/۰۶۰	۰/۴۲۹	۰/۰۰۰	۰/۲۸۷	۰/۰۰۰
روابط مثبت	۰/۱۸۷	۰/۰۶۸	۰/۰۰۰	۰/۶۶۸	۰/۲۴۷	۰/۰۶۰	-۰/۶۱۹	۰/۰۰۰	۰/۵۱۲	۰/۰۰۰
خودمختاری	۰/۰۰۰	-۰/۵۰۴	۰/۷۵۴	۰/۰۱۶	۰/۰۰۰	۰/۶۰۸	۰/۰۲۹	۰/۵۷۴	-۰/۳۸۲	۰/۰۰۰
تسلط بر محیط	۰/۰۰۰	۰/۴۰۲	۰/۰۰۰	۰/۱۹۰	۰/۰۰۰	۰/۱۴۷	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰	۰/۴۰۰	۰/۰۰۰
هدف زندگی	۰/۵۸۷	۰/۰۲۸	۰/۰۰۰	۰/۳۵۹	۰/۲۳۰	۰/۰۶۲	۰/۳۵۰	۰/۰۰۰	۰/۲۲۵	۰/۰۰۰
رشد فردی	۰/۰۲۵	-۰/۱۱۶	۰/۱۷۵	۰/۰۰۱	۰/۰۰۳	-۰/۱۵۱	۰/۳۵۳	۰/۰۰۰	۰/۰۹۶	۰/۶۳
بهزیستی روان	۰/۰۰۶	۰/۱۴۳	۰/۳۴۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۳	-۰/۱۵۱	۰/۶۴۳	۰/۰۰۰	۰/۳۵۸	۰/۰۰۰
N= ۳۷۶										

جدول فوق حاکی از این است که در بعد هوشیاری، بین مولفه های پذیرش ۰/۳۲۱ و خودمختاری برابر ۰/۵۰۴ و تسلط بر محیط برابر با ۰/۴۰۲ می باشد رابطه مثبت و معناداری در سطح ۹۹ درصد وجود دارد ($P < ۰/۰۱$). در صورتی که با مولفه های هدف زندگی ۰/۰۲۸ و رشد فردی ۰/۱۱۶ بوده که در سطح ۹۵ درصد رابطه معنادار نمی باشد ($P > ۰/۰۵$).

نتایج جدول فوق همچنین نشان می دهد که ضریب همبستگی بین بعد متعالی و مولفه های روابط مثبت برابر با ۰/۶۶۸، تسلط بر محیط برابر با ۰/۱۷۵ و هدف زندگی برابر با ۰/۳۵۹ و رشد فردی برابر با ۰/۱۷۵ می باشد که در سطح ۹۹ درصد رابطه مثبت و معنادار است ($P < ۰/۰۱$). در صورتی که با مولفه های پذیرش ۰/۳۰- و خودمختاری ۰/۰۱۶ بوده که در سطح ۹۵ درصد رابطه معنادار نمی باشد ($P > ۰/۰۵$).

بر مبنای نتایج جدول فوق، ضریب همبستگی بین بعد وجودی و مولفه های پذیرش برابر با ۰/۴۲۹، روابط مثبت برابر با ۰/۶۱۹-، تسلط بر محیط برابر با ۰/۶۳۷، هدف زندگی برابر با ۰/۳۵۰ و رشد فردی برابر با ۰/۳۵۳ می باشد که در سطح ۹۹ درصد رابطه مثبت و معنادار است ($P < ۰/۰۱$). در صورتی که با مولفه های خودمختاری ۰/۰۲۹ بوده که در سطح ۹۵ درصد رابطه معنادار نمی باشد ($P > ۰/۰۵$).

نتایج نشان می دهد که ضریب همبستگی بین بعد معنایی و مولفه های خودمختاری برابر با ۰/۶۰۸ می باشد که در سطح ۹۹ درصد رابطه مثبت و معنادار است ($P < ۰/۰۱$). ضریب همبستگی بین بعد معنایی و مولفه های تسلط بر محیط ۰/۱۴۷ و رشد فردی برابر با ۰/۱۵۱- بوده که در سطح ۹۵ درصد رابطه معنی دار می باشد ($P < ۰/۰۵$). در صورتی که با مولفه های پذیرش ۰/۰۶۰ و هدف زندگی ۰/۶۲ بوده که در سطح ۹۵ درصد رابطه معنادار نمی باشد ($P > ۰/۰۵$).

همچنین ضریب همبستگی بین هوش معنوی و مولفه های پذیرش برابر با ۰/۲۸۷، خودمختاری برابر با ۰/۳۸۲، تسلط بر محیط برابر با ۰/۴۰۰، هدف زندگی برابر با ۰/۲۲۵ و روابط مثبت برابر با ۰/۵۱۲ می باشد که در سطح ۹۹ درصد رابطه مثبت و معنادار است ($P < ۰/۰۱$). در صورتی که با مولفه رشد فردی ۰/۰۹۶ بوده که در سطح ۹۵ درصد رابطه معنادار نمی باشد ($P > ۰/۰۵$).

بر مبنای نتایج، ضریب همبستگی بین بهزیستی روان و مولفه های متعالی برابر با $0/342$ و وجودی برابر با $0/634$ می باشد که در سطح 99 درصد رابطه مثبت و معنادار است ($P < 0/01$). همچنین ضریب همبستگی بهزیستی روان با مولفه های هوشیاری برابر با $0/143$ و معنایی برابر با $0/151$ بوده که در سطح 95 درصد رابطه معنی دار می باشد ($P < 0/05$). در صورتی که با مولفه های رفتار $0/066$ ، انگیزش $0/074$ و فراشناخت $0/31$ بوده که در سطح 95 درصد رابطه معنی دار نمی باشد ($P > 0/05$). همچنین ضریب همبستگی بین هوش معنوی با بهزیستی روان برابر با $0/358$ می باشد که در سطح 99 درصد رابطه مثبت و معنادار است ($P < 0/01$).

سوال دوم پژوهش: آیا مولفه های مربوط به هوش معنوی قادر به پیش بینی بهزیستی روانی دانشجویان هستند؟

جهت پاسخگویی به این سوال از آزمون رگرسیون گام به گام استفاده شده است که نتایج آن در جدول (۲) آمده است.

جدول ۲ آزمون میزان پیش بینی مولفه های هوش معنوی از بهزیستی روان

گام	مولفه ها	R	R ²	F	B	T	Sig
۱	وجودی	۰/۶۴۳	۰/۴۱۳	۲۶۳/۱۱	۳/۱۲۳	۱۶/۲۲۱	۰/۰۰۰
۲	وجودی+معنایی	۰/۷۱۶	۰/۵۱۳	۱۹۶/۱۸	۳/۵۰۴ -۱/۶۷۲	۱۹/۳۶۰ -۸/۷۳۴	۰/۰۰۰
۳	وجودی+معنایی+هوشیاری	۰/۷۴۶	۰/۵۵۶	۱۵۵/۵۳	۳/۴۷۵ -۲/۱۶۷	۲۰/۰۹۳ -۱۰/۸۱۸ ۶/۰۵۷	۰/۰۰۰
۴	وجودی+معنایی+هوشیاری+متعالی	۰/۷۷۶	۰/۶۰۲	۱۴۰/۴۱	۲/۳۹۰ -۳/۲۸۵ ۱/۸۴۷	۱۰/۲۳۹ -۱۲/۸۵۲ ۸/۹۴۳ ۶/۵۳۷	۰/۰۰۰
				N=۳۷۶			
				P<۰/۰۱			

همان طور که نتایج جدول فوق نشان می دهد، در گام اول بعد وجودی بیشترین پیش بینی را از بهزیستی روان دانشجویان داشته است. این متغیر به تنهایی توانسته است $41/3$ درصد بهزیستی روان دانشجویان را پیش بینی کند. در گام دوم متغیر معنایی وارد الگوی پیش بینی شده است و این دو متغیر با هم توانسته اند $51/3$ درصد بهزیستی روان دانشجویان را پیش بینی کنند. در گام سوم متغیر هوشیاری به الگوی پیش بینی پیوسته است و این سه متغیر با هم توانسته اند $55/6$ درصد بهزیستی روان دانشجویان را پیش بینی کنند. در گام چهارم با ورود متغیر متعالی با سه متغیر دیگر به درصد $60/2$ در بهزیستی روانی دانشجویان رسیده اند. ضریب بتای استاندارد نشان می دهد که در معادله رگرسیون متغیر وجودی دارای ضریب بتای $3/123$ و متغیر معنایی دارای ضریب بتای $-1/672$ می باشند و متغیر هوشیاری دارای ضریب بتای $1/096$ و همچنین متغیر متعالی دارای ضریب بتای $1/938$ که هر چهار متغیر در سطح 99 درصد معنادار است ($P < 0/01$).

سوال سوم پژوهش: آیا در متغیرهای دو گانه پژوهش بر حسب ویژگیهای جمعیت شناختی نظیر جنسیت، سن، مقطع تحصیلی و ... دانشجویان تفاوت معنی داری وجود دارد؟

الف) آزمون متغیرهای سه گانه تحقیق بر حسب جنسیت دانشجویان

برای بررسی این بخش از سوال فوق از آزمون t مستقل استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است

جدول ۳ آزمون متغیرهای دو گانه تحقیق بر حسب جنسیت دانشجویان

متغیرها	گروها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	T	Df	Sig
هوش معنوی	دختر	۲۴۶	۹۴/۳۷	۷/۲۵	-۲/۶۲۰	۳۷۴	۰/۰۰۹
	پسر	۱۳۰	۹۶/۴۰۰	۷/۰۴			
بهزیستی روان	دختر	۲۴۶	۱۰۳/۳۹	۱۱/۴۲	-۲/۱۹	۳۷۴	۰/۸۲۷
	پسر	۱۳۰	۱۰۳/۰۸	۱۳/۳۹			

همانطور که یافته های جدول (۳) نشان می دهد که به دلیل اینکه سطح معنا داری در هوش معنوی و بهزیستی روان بیشتر از ۰/۰۵ است. معنادار نمی باشد، لذا به لحاظ آماری می توان گفت که بین متغیرهای هوش فرهنگی و هوش معنوی و بهزیستی روان بر حسب ویژگی جمعیت شناختی جنسیت تفاوتی در بین دانشجویان وجود ندارد.

نتیجه گیری

براساس نتایج حاصله بین هوش معنوی و مولفه های مربوط به آن با بهزیستی روانی دانشجویان رابطه وجود دارد و فاکتورهای مربوط به هوش فرهنگی قادر به پیش بینی بهزیستی روانی دانشجویان هستند همچنین در متغیرهای دو گانه پژوهش بر حسب ویژگیهای جمعیت شناختی نظیر جنسیت، سن، مقطع تحصیلی و ... دانشجویان تفاوت معنی داری وجود دارد. نتایج به دست آمده از آزمون t مستقل نشان می دهد که بین متغیرهای هوش فرهنگی و هوش معنوی و بهزیستی روان بر حسب ویژگی جمعیت شناختی جنسیت تفاوتی در بین دانشجویان وجود ندارد.

دانشجو در حساس ترین دوران رشد در محیط، آموزشی با چالشها و بحرانهای بیشماری روبرو میشود که بر سلامت وی تأثیر میگذارد. به طور کلی بهزیستی روانی حرکتی است که از سوی ناتوانی به سوی بازتوانی و بهبود کامل جسمانی، روانی، اجتماعی و ایجاد روابط موزون و هماهنگ با دیگران را به دنبال داشته باشد، بهزیستی روانی گفته می شود به صورت خلاصه می توان بیان کرد با توجه به نتایج از نظر سن بین هوش فرهنگی و بهزیستی روان تفاوت معناداری نیست اما در هوش معنوی تفاوت معنادار وجود دارد. به لحاظ مقطع تحصیلی و رشته تحصیلی بین متغیرها تفاوت معناداری نیست مگر در متغیر هوش معنوی در ویژگی رشته تحصیلی که تفاوت معناداری موجود است. به لحاظ آماری بین متغیرهای بهزیستی روان و هوش فرهنگی و هوش معنوی بر حسب سنوات تحصیلی دانشجویان تفاوت معناداری در بین دانشجویان وجود دارد. با نتایج حاصله میتوان مدعی شد که جامعه دانشجویی گامی فراتر گذاشته و در مقایسه با اجتماع بزرگتر، از متغیرهای سنتی تعیین کننده های مانند جنسیت، قومیت، سنت و غیره فاصله گرفته است. بدین معنا که تعیین کننده های بهزیستی روانی آنان دیگر عوامل سنتی نیستند و افراد از عوامل مدرن و جدید و سبکهای جدید زندگی هویت یابی میکنند.

منابع

- تسلیمی، محمد سعید. و همکاران. (۱۳۸۸). ارائه راهکارهایی برای ارتقاء هوش فرهنگی مدیران دولتی در امور بین المللی، پژوهشهای مدیریت، سال دوم، شماره چهارم
- سهرابی، فرامرز. (۱۳۸۵). درآمدی بر هوش معنوی، فصلنامه معنا، ویژه نامه روانشناسی دین، شماره ۲
- گلمن، دانیل. (۱۳۸۳). هوش هیجانی در کار، مترجمان بهمن ابراهیمی، محسن جوینده، تهران: نشر بهین دانش
- شاملو، سعید. (۱۳۸۲). بهداشت روانی، تهران: رشد
- شاملو، سعید. (۱۳۶۸). مکتب ها و نظریه ها در روانشناسی شخصیت، چاپ اول، تهران: انتشارات رشد
- واثق، بهاره. (۱۳۹۰). هوش معنوی هوش یکپارچه کننده، کاربردهای هوش معنوی، پایگاه ندا الحق، ص ۱-۰۱

وست، ویلیام. (۱۳۸۳). روان درمانی و معنویت، ترجمه شیرافکن، تهران: انتشارات رشد.

یوسفی، سجاد. (۱۳۸۷). اصول بهداشت روانی، تهران: انتشارات خبر

یوسفی، سجاد. (۱۳۸۷). اصول بهداشت روانی، تهران: انتشارات خبر

Thomas DC (۲۰۰۶), Domain and development of cultural intelligence: the importance of mindfulness. Group and organizational Management. ۳۱(۱):۷۸-۹۹

Santos, E, Severo. (۲۰۰۶). Spiritual intelligence; What is spiritual intelligence? How it benefits a person?, www.Skopun.Files.Wordpress.com

Macmolen W(۲۰۰۳). Spirituality in Nursing: What Are the Issues? Orthop Nurs.; ۲۳: ۳۲۱-۳۲۶

Nasel,D. D (۲۰۰۴). Spiritual Orientation in Relation to Spiritual Intelligence: A consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality. Thesis submitted for the degree of Doctor of Philosophy in The University of South Australia, Division of Education, Arts and Social Sciences, School of Psychology.Submitted on the ۱۱th of March.

MacHovec, F (۲۰۰۲). Spiritual intelligence, the behavioral sciences and the humanities. Lewiston,NY: The Edwin Mellen Press.

Amram,Y (۲۰۰۷). The Seven Demensions of Spiritual Intelligence: An Ecumenical Grounded Theory. Paper presented at the ۱۱۵th Annual (August ۲۰۰۷) Conference of the American Psychological Association,San Francisco,CA.

George Mike, (۲۰۰۶), How intelligent are you...really? From IQ to EQ to SQ with a little intuition along the way, Training and development methods, Vol ۲۰, pp .۴۲۵-۴۳۶